




آخرین پلاک شهر

احسان چوبدار

۱



چه شیرین عقل بود، شیرین  
هرگر نفهمید  
که در واپسین رورها،  
عشق فرهاد  
تنها تیشه بود و تراشیدن

تیرماه ۱۳۹۱



۳

ساعت ها در حواب  
راه می روم،  
تا نه بر دیکی  
حواب های روشنت برسم،  
اما کسی که تو  
عاشقش هستی،  
مرا نه قصر حواب هایت  
راه نمی دهد

شهریورماه ۱۳۹۱



۲

در آغار این رورهایِ سرد،  
بار دیگرِ پیامور  
به آحمت، لحد و  
به سکوت، شکستِ راه،  
به قَهَر، آشتی و  
به رفتت، آمدنِ راه

مردادماه ۱۳۹۱

